

بررسی فقهی معاملات حرام

حسن قلی پور

عضو هیأت علمی و رئیس دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل

چکیده:

از آنجائی که تجارت و بازرگانی نقش مهمی در زندگی مردم و رشد اقتصادی جامعه دارد و اقتصاد سالم مرهون آن است، از اینرو لازم است که یک فرد تاجر و بازرگان قبل از کار تجارت، نسبت به موضوعات و قوانین و احکام فقهی آن آشنا گردد، تا در معاملات و داد و ستد در مسیر ربا و یا معاملات نامشروع قرار نگیرد. رعایت آداب تجارت و آشنایی با احکام آن، انسان را وادار می کند که در معاملات عدل و انصاف را بکار برده و معاملات صحیح انجام دهد تا فروشنده و خریدار هر دو به تراضی به زندگی ادامه دهند. در این مقاله پیرامون اقسام تجارت و یکی از انواع معاملات حرام یعنی خرید و فروش خمر از دیدگاه قرآن و فقها بحث و بررسی به عمل آمده است.

کلید واژه ها: تجارت، متاجر، معاملات حرام، معامله خمر، فقهی

پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه :

از دیدگاه اسلام کارکردن برای مرد جهت تأمین معیشت خانه و خانواده عبادت است، در روایات نیز به موضوع تجارت توجه خاصی شده و از آن به عنوان عامل رشد عقل و ترک آن سبب نقصان عقل تعبیر شده است. (حرعاملی ۴/۱۲ و ۵) تجارت را می توان عامل مهمی در جهت توسعه اقتصادی و افزایش درآمد ملی دانست، چنان که امام صادق (ع) فرمودند: «تسعه اعشار الرزق فی التجاره» (همان ۳/۱۲)، یعنی ۹/۱۰ روزی در تجارت است، اما نکته مهم این است که تجارت و کسب از چه راهی باید باشد؟ آیا از راه حلال صورت گیرد یا از راه حرام؟ و اصولاً معیار تشخیص کسبهای حلال از حرام چیست؟ در مباحث قبلی پیرامون آداب بیع که در حقیقت به شخص تاجر بر می گردد و تکالیف و وظایفی است که شارع مقدس اسلام بر عهده او قرار می دهد، بحث و بررسی به عمل آمده، اما از این به بعد و در طی سلسله مقالاتی که می آید، پیرامون اقسام تجارت و تشخیص حلال و حرام، مشروعیت و یا عدم مشروعیت آن با استفاده از آیات و روایات و نظرات فقهاء عظام سخن به میان می آید.

معنا و مفهوم « متاجر »

کلمه متاجر جمع متجر بر وزن مَفْعَل از ماده تجارت مشتق شده است. کلمه «مَتَجَرَ» مصدر میمی است به معنی تجارت (مثل مَقْتَل به معنی قتل) و مقصود و منظور، خود کسب کردن و بازرگانی کردن است که کار انسان مکلف است، بنابراین، کتاب «المتاجر» یعنی کتابی که آداب و احکام کسب کردن و تجارت را به انسان می آموزد و یا این که مَتَجَر اسم مکان است برای محل تجارت (مقصود از محل تجارت، یا محل کاری نیست زیرا آن در اینجا معنی ندارد) بلکه آن عبارت است از اعیان و کالاهای خارجی که بواسطه آن، کسب و کار صورت می گیرد. برخی از فقهاء معنی اول را مناسب تر می دانند.

زیرا موضوع علم فقه، افعال مکلف است که حکم شرعی بر آن مترتب می باشد. تجارت در معنای کسب، عبارت است از سعی و تلاش برای تحصیل روزی و معاش (ابن منظور ۱۹/۲) و در اصطلاح فقهاء به معنای کسب کردن، داد و ستد و مبادله کالا جهت به دست آوردن سود و خرید و فروش می باشد. (حسینی عاملی ۶/۸) تجارت در این معنا بر پنج نوع است: واجب، مستحب، مکروه، مباح و حرام.

کسبهای واجب: آن چیزهایی است که بیعشان حلالی بوده یا آن کسب هایی که فرد آن را

شغل و پیشه خود قرار داده و غیر از آن معیشت دیگری ندارد. کسب های مستحب: آن کسب هایی که سبب وسعت روزی بر اهل و عیال می گردد. کسب های مکروه: آن کسب هایی که انجام ندادن آن بهتر است مانند اجرت گرفتن در قبال قضاوت بین مردم. کسب های مباح: آن کسب هایی که اگر شخصی آنها را ترک کند، ضرری نمی بیند. کسب های حرام: که شخص از راه حرام مالی را بدست آورد و با آن کسب کند. (سأردیلمی ۱۰۷/۱۳)

لازم به ذکر است که از نظر شارع مقدس اسلام کسب کردن و تجارت نمودن فقط از راه خرید و فروش نیست، بلکه بدست آوردن منافع از هر راهی باشد، چه از راه بیع و چه اجاره و چه صلح و چه هبه و غیر آن باشد را کسب و تجارت نامند.

اما تجارت در معنای دوم عبارت است از اعیان و کالاهای خارجی که به واسطه آن کسب صورت می گیرد و در کتاب تجارت از عوارض لاحق آنها از نظر حکم شرعی بحث می شود. مثلاً خمر، عوارض لاحق آن در کتاب تجارت، عبارت است از خرید و فروش آن، هبه نمودن آن، صلح کردن بر آن، و اجمالاً افعال مکلف که عارض بر آن میشود، پس در این مقاله بحث می شود که مثلاً خمر، خرید و فروشش جایز است یا نه؟

بنابراین موضوع تجارت تقسیم می شود به حرام و مکروه و مباح. (حرام مانند اعیان نجسه مکروه مثل شغل کفن فروشی، مباح مانند تجارت با کالاهای متداول در بین مردم) علت منحصر کردن تجارت به سه قسم محرم و مکروه و مباح آن است اعیانی که مورد کسب قرار میگیرند یا در شرع مقدس اسلام به آنها نهی تعلق گرفته و یا نگرفته است، اگر نهی تعلق گرفته است حرام میباشد و اگر نگرفته اما منع از نقص آن نمی کند مکروه است؛ در غیر اینصورت مباح میباشد. علت اینکه در شرح لمعه موضوع مستحب و واجب برای تجارت ذکر نکرد، این است که استحباب و وجوب از عوارض و صفات خود تجارت اند که فعل مکلف می باشد و از عوارض موضوع تجارت نمیباشند. (شهید ثانی ۲۰۶/۳)

معاملات حرام

منظور از معاملات حرام، کسبهایی است که حلال نبوده و مشروعیت ندارند و نقطه مقابل آن کسبهای حلال است؛ یعنی اموری که شرعاً مأمور به بوده و انجام آن بر انسان مسلمان یا واجب است، مانند آنچه که برای حفظ جان و بقاء او و خانواده اش لازم است، و یا مستحب است، مانند آنچه که مصلحت جامعه در آن نهفته و سبب قوام و برپایی بندگان است، مانند ساختمان سازی، احیاء اراضی موات و حمل و نقل. اما معاملات حرام کسبهایی است که موجب فساد است و یا با

دلیل شرعی معتبر از آنها نهی شده است، مانند اکل میته، خمر، غناء و قمار.

ملاک دیگر در حرمت کسب ها بدین علت است که در آن وجهی از وجوه فساد وجود داشته وجهت فسادش نیز قابل توجه است، مانند خرید و فروش انگور به قصد درست کردن شراب. (شیخ انصاری ۹/۱ و ۹) و اما مهمترین مواردی که به عنوان معاملات حرام مطرح شده عبارتند از:

۱- اعیان نجسه: و آن به چیزهایی اطلاق می شود که ذاتاً نجس باشند و پاکی نپذیرند و منظور از نجس در اینجا آن چیزهایی هستند که در اصل نجس باشند یا این که در اصل نجس نیستند بلکه نجاستشان عارضی است و از مجاورت با چیز نجسی، نجس شده اند. از اینرو خرید و فروش چیزهایی که نجس است و انتفاع از آنها نمی توان برد، حرام است و آنها عبارتند از:

الف- شرابهای مست کننده مثل خمر (و آن شرابی است که از انگور میگیرند) و نیبذ (و آن شرابی است که از خرما می گیرند) و غیر اینها از اقسام شرابهای مست کننده که استفاده از آنها حرام است. تشخیص مشروبات مذکوره از نظر حرمت تجارت، آنست که مست کننده باشد یعنی هر چیزیکه مست کننده باشد تجارت با آنها حرام است هر چند به صورت مایع نباشد مثل حشیش که جامد است و نجس نیست البته حرمت فروختن حشیش، مشروط به این شرط است. یا اینکه اصلاً منفعت حلالی برای آن فرض نشود، و یا اینکه اگر هم منفعت حلال داشته باشد (مثل درمان و معالجه) به قصد آن منفعت فروخته نشود بلکه به قصد منفعت حرام (خوردن و یا کشیدن) فروخته شود. ولی اگر منفعت حلال داشته باشد و به قصد منفعت فروخته شود حرام نیست.

ب- چیزی که خرید و فروش آن حرام است، فقاع است (فقاع شرابی که از شیره جو گرفته می شود، آبجو) که خرید و فروش حرام است هر چند مست کننده نباشد. علت آن در روایت نیز آمده که فقاع نیز خمر محسوب است و لکن مردم آن را به چشم حقارت می بینند و کوچک می شمارند.

ج- یکی دیگر از اعیان نجس مایع نجسی است که قابل طهارت نباشد مانند دنبه و پیه میت، همچنین مردار، خون، سگ و خوک نیز از دیگر محرّمات محسوب می گردند.

حرمت معامله خمر

همانطوری که اشاره شد یکی از انواع نجاسات که نجاست آن ذاتی است، خمر است و هر چه که مانند خمر مست کننده است مانند آبجو و نیبذ (شرابی است که از خرما گیرند). شیخ طوسی در نهاییه اش گوید: «و از جمله محرّمات خمر است که تصرف در آن حرام است در همه صورتهایش از بیع و شراء و هبه و معاوضه. همچنین همه شرابها و نوشیدنی هایی که مست کننده باشد، حکمش مانند حکم خمر است و فرقی نمی کند که این شراب کم باشد یا زیاد.» (ص ۳۶۳ و ۳۶۴)

آیت الله خوانساری علت حرمت معامله خمر را چنین بیان می کند: «این که ادعا شده بر حرام بودن کسب به واسطه خمر و مانند آن، مستند این اجماع آن چیزی است که از نص وارد شده و همچنین عدم وجود منفعت محلله ای که مقصود عقلاء است و اگر منفعتی در اینها بود و عقلاء به آن توجه می کردند همین باعث حلال بودن و شرعی بودن اینها می گشت» (جامع المدارک ۲/۳) صاحب جواهر نیز با استناد به روایتی از امام صادق (ع) بیع خمر را جایز ندانسته است. حضرت فرمودند: «أَوْشِيئِي مَنْ وَجَّهَ التَّجَسُّسَ فِهَذَا كَلَّمَهُ حَرَامٌ وَ مُحَرَّمٌ...» (جواهر الکلام ۹۸/۲۲)، اگر ذره ای از چیزی نجس باشد، پس همه آن چیز حرام است و کسب کردن به واسطه آن نیز حرام است. لازم به ذکر است که براساس روایات و نیز به نظر فقهاء اگر آب انگور از حال اصلی خود تغییر کند و به جوش آید پس چیزی در آن نیست تا این که دو سومش از بین برود. (حسینی عاملی ۱۲/۴) که در این صورت معامله آن جایز است، منتها اگر کسی شراب انگوری را خریداری کند و قصدش تطهیر آن باشد. اشکالی ندارد و به نظر شیخ انصاری روایاتی که دلالت بر حرمت معامله خمر دارد، شامل مورد فوق نمی گردد. (مکاسب ۲۴/۱)

حرمت معامله در قرآن

خداوند در رابطه با حرمت خمر می فرماید:

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْفَقْرُ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ. (سوره بقره آیه ۲۱۹)

یعنی: درباره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: در آنها گناه بزرگی است و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارند (ولی) گناه آنها از نفع آنها بیشتر است. و از تو سؤال می کنند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود، این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می سازد شاید اندیشه کنید.

در ارتباط با شأن نزول آیه شریفه آمده که گروهی از اصحاب خدمت پیغمبر (ص) آمدند، عرض کردند حکم شراب و قمار که عقل را زایل، و مال را تباه می کند بیان فرمائید، در این هنگام آیه فوق نازل شد. (طبرسی ۲-۳۱۶/۱)

«خمر» بمعنی پوشش است و هر چیزیکه چیز دیگر را بپوشاند و مخفی کند «خمار» می گویند. ولی در اصطلاح شرع بهرمایع مسکر (مست کننده) خمر گفته می شود، خواه از انگور گرفته شده باشد و یا از کشمش یا خرماو یا هر نوع مشروب الکلی، البته استعمال واژه خمر برای مایعات مسکر بعلت تناسبی است که بین معنی لغوی آن (که پوشیدن باشد) با این معنی وجود دارد، زیرا

این مایعات به جهت مستی که ایجاد می کنند، روی عقل پرده ای می افکنند، و نمی گذارد بد را از خوب و زشت را از زیبا تمیز دهد.

میسر از ماده (یسر) است و این ماده هم بمعنی سهل و آسان و هم به معنی قمار بازی می آید و بنظر می رسد که معنی اولی به معنی سهل و آسان باشد بهتر است. منتهی نظر باینکه شخص قمار بازی خواهد به آسانی بمال و ثروتی نائل شود، از این رو به قمار نیز میسر گفته می شود. قُلْ فیهما اثم کبیر و منافع للناس و اثمهما اکبر من نفعهما. خداوند متعال در این قسمت از آیه حکم تحریم خمر را آمیخته با نرمش و مدارا بیان فرموده است، و به پیامبر اکرم (ص) خویش دستور می دهد که در پاسخ آنها بگو این دو گناهی است بزرگ اگر چه فایده هائی هم برای مردم دارد. اما نفع آن دو در برابر زیان آن بسیار ناچیز و اندک است. و هیچ انسان عاقلی بخاطر آن نفع کم باین همه زیان تن در نمی دهد.

(اثم) بآن حالتی گفته می شود که در روح و عقل انسان بوجود می آید، و او را از رسیدن به نیکی ها و کمالات باز می دارد، با توجه به این نکته معنی آیه چنین می شود که خمر و میسر باعث می شوند که ضررهای بسیار گرانی به جان و جسم انسان وارد شود (تفسیر نمونه ۳۳/۲ و ۷۴).
خداوند در قرآن کریم در آیات متعدد در سوره های مختلف در باره حرمت خمر اشاره فرموده که در این مقاله به چند آیه اشاره شده و تفصیل آن را به مقالات آینده واگذار می کنیم. سوره هائی که قرآن با کلمه خمر اشاره کرده است عبارتند از: ۱- سوره بقره آیه ۲۱۹، ۲- سوره مائده آیه ۹۰، ۳- سوره مائده آیه ۹۱، ۴- سوره محمد (ص) آیه ۱۵، ۵- سوره یوسف آیه ۳۶، ۶- سوره یوسف آیه ۴۱، ۷- سوره نور آیه ۳۱.

در اینجا باید این نکته را متذکر شد که هر چیزی که حرام است، به تبع حرمت، خرید و فروش آن نیز حرام بوده و خوردن ثمن اش هم شامل حکم حرمت می شود، زیرا رسول خدا (ص) فرمود: «ان الله تعالی اذا حرم شیئاً حرم ثمنه» (شیخ انصاری، مکاسب ۱۰/۱)، همانا خداوند متعال هرگاه چیزی را حرام اعلام کند، ثمن و بهایش را نیز حرام می داند. و در روایت نبوی دیگر آمده: «ان الذی حرم شربها حرم بیعها» (شیخ طوسی، الخلاف ۱۸۵/۳)، همانا چیزی که نوشیدنش حرام است، بیعش نیز حرام است.

زیانها و آثار الکل :

برای اینکه بهتر و بیشتر به مضار و مفسدات آن آشنا شویم قسمتی از نظریه های دانشمندان و روانشناسان و پزشکان دنیا را در مورد زیانهای خمر بطور اجمال بیان می کنیم:

۱- یکی از دانشمندان مشهور غرب اظهار می دارد، که هرگاه از جوانان ۲۱ ساله تا ۲۳ ساله معناد به مشروبات الکلی ۵۱ نفر بمیزند در مقابل از جوانهای غیر معناد ۱۰ نفر هم تلف نمی شوند. دانشمند دیگری ثابت کرده که جوانهای ۲۰ ساله که انتظار می رود ۵۰ سال عمر کنند در اثر نوشیدن الکل بیشتر از ۳۵ سال عمر نمی کنند.

برابر تجربه ای که کمپانیهای (بیمه عمر) کرده اند، ثابت شده است که عمر معتادان به الکل نسبت به دیگران ۲۵ الی ۳۰ درصد کمتر است.

آمار دیگری نشان می دهد که حد متوسط عمر معتادان به الکل در حدود ۳۵ الی ۵۰ سال است در صورتیکه حد متوسط عمر با رعایت نکات بهداشتی از ۷۰ سال به بالاست.

۲- برابر تحقیقات بعمل آمده کسی که در هنگام انعقاد نطفه مست است ۳۵ درصد از عوارض الکلیسم حاد را به فرزند خود منتقل می کند و اگر زن و مرد هر دو مست باشند صد در صد عوارض در بچه ظاهر می شود.

آمار فراوانی ذکر کرده اند که در اینجا مناسب نیست شرح داده شود.

۳- الکل در اخلاق و رفتار انسان اثر زیادی دارد بطوریکه در شخص الکلی عاطفه خانوادگی و محبت نسبت به زن و فرزند ضعیف می شود بطوریکه بارها دیده شده که پدرانی فرزندان خود را با دست خود کشته اند.

۴- طبق آماری که انستیتوی پزشکی قانون شهر دنیون در سال ۱۹۶۱ تهیه نموده است جرائم اجتماعی از این قرار است مرتکبین قتلهای عمومی ۵۰ درصد، ضرب و جرحها در اثر نوشیدن الکل ۷۷/۸ درصد، سرقتهای مربوطه ۸۸/۵ درصد، این آمار و سایر آمار نشان می دهد که اکثریت قاطع جنایات و جرائم بزرگ در حال مستی روی می دهد.

۵- متأسفانه حکومتهای دنیا فقط حساب منافع و عایدات مالیات شراب را می کنند، ولی حسابهای بودجه های هنگفت دیگری که صرف ترمیم مفاسد شراب می شود را نکرده اند. دولتها حسابهای ازدیاد بیماریهای روحی را در اجتماع و خسارت های جامعه، و اتلاف وقت های گرانبها و تصادفات رانندگی در اثر مستی، و فساد نسلهای پاک و عقب ماندگی فرهنگ و گرفتاریهای پلیس و بیمارستانها و تشکیلات دادگستری و صدها خسارت دیگر را نمی کنند اما فقط درآمد عوارض مالیات برای آنان مهم است که در برابر این همه خسارات، ناچیز بلکه صفر است. مرگ عزیزان، و پاشیدن خانواده ها همه و همه ناچیز است. خلاصه ضررهای الکل آنقدر زیاد است که به گفته یکی از دانشمندان اگر دولت ها ضمانت کنند درب نمیمی از میخانه ها را در دنیا ببندند می توان ضمانت کرد که نسبت به نمیمی از بیمارستانها و تیمارستانها بی نیاز می شویم. بنابراین آنچه گفته شد،

می شود نتیجه گرفت که اگر در تجارت مشروبات الکلی سودی برای بشر باشد یا فرضاً چند لحظه بی خبری و فراموش کردن غمها برای او سودی محسوب شود زیان آن به درجات بیشتر و وسیعتر و طولانی تر است بطوریکه این دو قابل مقایسه نیست.

منابع :

۱- قرآن کریم .

۲- ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی،

۱۴۱۷ق

۳- حرّعاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۴- حسینی عاملی، سید محمد جواد، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۵- خوانساری، احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، ناشر: مولف، ۱۳۶۴ ش.

۶- سارّ دلمی، حمزه بن عبدالعزیز، المراسم العلویّه، چاپ در سلسله الینایع الفقهیّه، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، ۱۴۱۰ ق.

۷- شهید ثانی، زین الدین الجبجعی عاملی، شرح لمعه (الروضه البهیّه فی شرح اللمعه الدمشقیّه)، بیروت، دار العالم الاسلامی، بی تا.

۸- شیخ انصاری، مرتضی، المکاسب، بیروت، مؤسسه النعمان، ۱۴۱۰ ق.

۹- شیخ طوسی، ابو جعفر محمد، کتاب الخلاف، قم مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.

۱۰- همو، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، قم، انتشارات قدس محمدی، بی تا.

۱۱- طبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۱۲- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.

۱۳- نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۶۵ ش.

